

خلوت رویا

دل‌م گرفته از اینجا بیا قدم بزنیم

دل‌م گرفته دلارا! بیا قدم بزنیم

بین چه ساحل سبزی بغل گشوده به ناز

تو را به حضرت دریا بیا قدم بزنیم

تو در کدام جزیره مرا به تور زدی؟

به سمت سبز همان جا بیا قدم بزنیم

سرشته‌اند از اول گل تو را با من

در این هوا، تک‌وتنها بیا قدم بزنیم

دو روح خسته و زخمی‌ست روح ما هر دو

بیا برای مداوا بیا قدم بزنیم

جهان و هر چه در او هست جز معما نیست

کنار گوش معما بیا قدم بزنیم

مسیر تلخ خیابان دروغ‌پرداز است

به سمت خلوت رؤیا بیا قدم بزنیم

رها شویم از این چشم‌های آلوده

بدون پرده و پروا بیا قدم بزنیم

«پری نهفته رخ و دیو در کرشمه‌ی حسن»

دل‌م گرفته از اینجا بیا قدم بزنیم